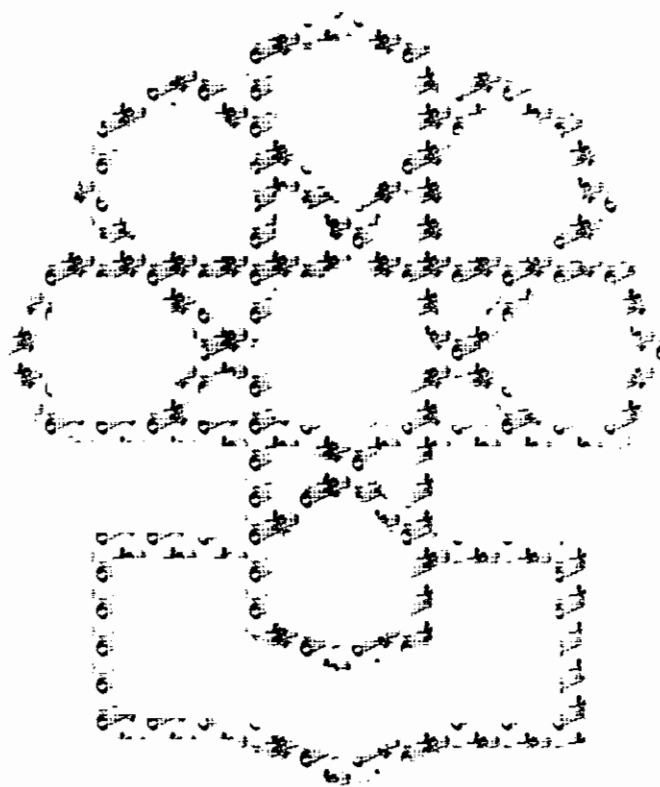


۲۴۳۱



Handwritten marks: a checkmark and a large 'X'.

اطلاعاتی چند درباره آشوری‌ها



معاونت پژوهشی
تیر ۱۳۷۷

کار: گروه (۱) خدمات پژوهشی

کد گزارش: ۴۱۰۳۴۳۱

مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی
کتابخانه و واحد اسناد و اطلاع‌رسانی مجلس شورای اسلامی
شماره: ۸۹۷۷
تاریخ: ۷۷ / ۵ / ۲۸

در کشور ما بنا به نتایج آخرین سرشماری در سال ۱۳۷۵ حدود ۱۷۵ هزار نفر غیرمسلمان یا اقلیت مذهبی زندگی می‌کنند.^۱

از این تعداد حدود ۱۰۰ هزار نفر مسیحی هستند یعنی بیش از ۵۵ درصد کل اقلیت‌های مذهبی کشور مسیحی می‌باشند. از ۱۰۰ هزار نفر فوق تقریباً ۴۰ هزار نفر آشوری هستند و بقیه نوعاً ارمنی هستند (البته تعداد کمی نیز اقلیت کاتولیک هستند). خوشبختانه در کشور ما علی‌الخصوص در سال‌های بعد از انقلاب اسلامی توجهی به وضع اقلیت‌های مذهبی صورت گرفته است و آنها تقریباً از حقوقی اجتماعی مساوی با سایر اقشار ملت برخوردار بوده‌اند و البته پایه‌های دیگر افشار در مسائل اجتماعی و سیاسی شرکت داشته‌اند تا آنجا که با شرکت در جبهه‌های جنگ شهدایی نیز تقدیم انقلاب و کشور نموده‌اند. نکته قابل توجه در مورد ارتباط با این اقلیت‌ها قرار دادن مشترکات دینی و ملی به عنوان اصل و اساس هرگونه رابطه متقابل می‌باشد. دو معیار خدایپرست بودن و ایرانی بودن نقاط تفاهم بزرگی هستند که می‌توانند بسیاری از مسائل و مشکلات موجود را در خود حل نمایند.

در این گزارش ابتدا مروری خواهیم داشت بر وضعیت تاریخی اقوام آشوری و سپس در قسمت بعد به طور فشرده سابقه و عقاید کلیسای شرق مورد بررسی قرار خواهد گرفت و در آخرین قسمت وضعیت فعلی آشوریان در ایران و جهان و مسائل و مشکلات‌شان مرور خواهد شد.

فصل اول- تاریخ آشوریان

۱- آشور باستان

در حدود ۳۰۰۰ سال پیش از میلاد مسیح آشوریان سامی نژادانی بودند که در بابل می‌زیستند و سپس به ناحیه‌ای در میان دجله و کوه‌های مجاور آن مهاجرت کرده دولت کوچک آشور یا آسور را تشکیل دادند. آنان نام خود را از رب‌النوع خود «آشور» گرفته‌اند. نخست پایتخت ایشان آشور بود، ولی در فاصله سال‌های ۱۵۰۰ و ۱۸۰۰ پیش از میلاد که کشور آشور استقلال یافت، رفته رفته شهر آشور متروک و به جای آن شهر کالاه و بالاخره شهر نینوا در نزدیکی موصل کنونی به جای آن به پایتختی برگزیده شد.

دولت آشور هزار سال پای بر جای بود و پیوسته مرزهای خود را از هر سو گسترش می‌داد. در مغرب و جنوب غربی هیتی‌ها را برانداخت و فلسطین را فرمانبردار خویش کرد. در مشرق و جنوب تا کوه دماوند و کویر لوت پیش رفت و ماد و پارس را مطیع و منقاد ساخت و عیلام را چنان برانداخت که آن کشور چند هزار ساله دیگر کمر راست نکرد.

۱. سالنامه آماری کشور، ۱۳۷۵، مرکز آمار ایران.

شاهان آشور نخستین شهر یازانی بودند که به ساختن راه‌ها و جاده‌ها همت گماشتند و برای رساندن اخبار از پیک‌های ویژه‌ای استفاده می‌کردند. از آن روزگار نامه‌های گلینی در دست است که آنها را از شهری به شهر دیگر فرستاده‌اند، از جمله نامه‌هایی است که سنا خریب به پدر خود سارگن نوشته است.

لشکریان آشور و حشمتارترین نیروی نظامی زمان را تشکیل می‌دادند. قسمت اعظم جنگاوران آشوری تیراندازانی بودند که گروهی زوبین افکن و سپردار پشتیبان آنان بود. در نبردهای ایشان از ارابه جنگی هم استفاده می‌شد. آشوری‌ها اسب سواری را از میانیان فرا گرفتند. در نبرد بسیار ویرانگر بودند و شکست خوردگان را می‌کشتند و خان‌ومان‌شان را به یغما می‌بردند. آشوریان در مجسمه‌سازی استاد و در معماری و حجاری از آموزش شایانی برخوردار بودند، از موسیقی آگاهی داشتند. در کشت نباتات مهارت به خرج می‌دادند و تخم برخی گیاهان را از کشورهای دور می‌آوردند. خواندن و نوشتن نیز می‌دانستند. تا آنجا که به تأسیس کتابخانه هم همت گماشتند. بیست و نه هزار لوح از الواح کتابخانه آشور بنی پال کشف شده که اکنون تعداد زیادی از آنها در موزه بریتانیا نگاه‌داری می‌شود. قدیمی‌ترین لوح این مجموعه در زمان سارگن به رشته تحریر درآمده است. دوران حکومت آشوریان به سه دوره قدیم، میانه و جدید تقسیم می‌شود.

۱-۱- دولت آشور قدیم

نظر به این که دبیران شاهی به دستور آشور بنی پال وقایع بین ۱۵۰۰ تا ۹۰۰ پیش از میلاد را ثبت کرده‌اند، از این رو می‌توان گفت که آشور از ۱۵۰۰ پیش از میلاد تاریخ مدون دارد.

به سال ۱۱۰۰ پیش از میلاد تیگلات پالسر اول بر تخت نشست. پیروزی‌های بسیار به دست آورد و کشور خود را تا سرچشمه دجله توسعه بخشید (تصویر و کتیبه وی هنوز هم در آنجا وجود دارد). هیتی‌ها را شکست داده تا دریای مدیترانه راند و با فرعون مصر روابط نیکو برقرار کرد. سپس به بابل لشکر کشید و آن را به تصرف درآورد. ولی بابل پس از چندی نیرومند شده آشور را دست‌نشانده خود ساخت. از رویدادهای مهم این زمان مهاجرت و هجوم آرامی‌ها از عربستان به سرزمین‌های بابل و آشور بود. آنان دولت آشور را منقرض و شهرهای سوریه و دمشق و حلب را تصرف کردند و به تشکیل دولت‌هایی دست زدند.

۱-۲- دولت آشور میانه

این دوره از ۹۰۰ تا ۷۴۵ پیش از میلاد را در بر می‌گیرد. دولت آشور میانه بر آرامی‌ها غالب آمده فرمانروایی مجدد خود را آغاز کرد. بزرگ‌ترین پادشاه این دوره آشور نصیر پال است. وی حدود آشور را به وسعت آن در دوران تیگلات پالسر رسانید. وی مردی سفاک بود و اسیران و کودکان مغلوب را در آتش می‌افکند. پس از وی پسرش شلمه‌نصر دوم بر بابل مسلط شد. در این دوران دولت آشور نیرومندترین دولت آسیای غربی بود.

اما در همین زمان در ارمنستان دولت نوینبادی به نام اورارتو^۱ یا آرارات پایه عرصه وجود گذاشت. با پیدایش این دولت تازه پا، شیرازه امور کشورهای تابع آشور از هم پاشیده شد و شورش‌هایی به وجود آمد.

۱-۳- دولت آشور جدید

سرانجام سردهسته شورشیان با نام تیگلات پالسر چهارم بر تخت نشست. وی آرامیان و کلدانیان را در بابل شکست داد و بنوک نصر پادشاه بابل را به اطاعت درآورد.

۱. Urato.

در شمال با دولت اورارتو به نبرد پرداخت و گرچه نتوانست آن دولت را از میان بردارد، ولی ولایات جنوبی آن را متصرف شد و دولت دمشق را برانداخت. دیگر از پادشاهان این سلسله سارگن دوم (۷۲۲ تا ۷۰۵ پ.م) بود. در زمان او لشکر آشور از صورت یک ارتش ملی بیرون آمد.

۱-۴- انقراض آشور

دوران اقتدار آشور بیش از یکصد سال دوام نیافت. دوره‌ای که با جلوس سارگن دوم به سال ۷۲۲ پیش از میلاد آغاز گردید و با مرگ «آشور بنی پال» پایان پذیرفت. چیزی که بیش از همه موجبات زوال دولت آشور را فراهم آورد، ستم‌های بی حد و مرز آشور نسبت به ملل دست‌نشانده و مغلوب بود. وجود این‌گونه رفتارها موجب بروز طغیان‌های پیاپی و روزافزون می‌شد و دولت آشور ناچار بود قوای خود را صرف فرونشاندن آنها کند.

آخرین نبرد آشور با عیلام- که به شکست دولت اخیر انجامید- نیروی آشور را به کلی از میان برد و بر قدرت فائقه آن دولت خنل وارد آورد.

آشور بنی پال نیز به سال ۶۶۲ پیش از میلاد درگذشت و با مرگ او، بر این قدرت فائقه نقطه پایان گذارده شد.

آنگاه نبوپونصر حاکم آشور در بابل سر به شورش برداشت و دولت بابل و کلدانی را بنیاد نهاد. پس از «آشور بنی پال» پسرش «آشور اتیل ایلانی نوکینی» به سلطنت رسید و شهر کالاه را نوسازی کرد. پس از وی، برادرش «سین شارووکین» که یونانیان نامش را «ساراکوس» نوشته‌اند، بر تخت نشست و انقراض آشور در دوران پادشاهی وی اتفاق افتاد. مادها که به تازگی از زیر سلطه آشور بیرون آمده بودند، دولت مقتدری تشکیل دادند که برای آشور بزرگ‌ترین خطر به شمار می‌رفت.

«هوخشتره» پادشاه ماد با «نبوپونصر» حاکم بابل متحد شده در سال ۶۱۲ پیش از میلاد نینوا پایتخت آشور را محاصره و فتح کرد. «ساراکوس» که در خود تاب پایداری نمی‌دید، آتشی کلان برافروخت و خود و خانواده‌اش را به شعله‌های سوزان آن سپرد.

با مرگ «ساراکوس» دوران آشوریان نیز به پایان رسید و این دولت نیرومند و نامی از صفحه روزگار برافتاد.

فصل دوم- تاریخ مسیحیت

مسیحیت از پیدایش تا سال ۳۱۲ به صورت یکپارچه بوده که در این سال‌ها تحت آزار و شکنجه یهودیان قرار داشتند. در سال ۳۱۲ امپراتور فرمان تسامح یا تساهل را صادر می‌کند که طبق آن، با مسیحیان به نرمی رفتار می‌شود.

تا این‌که امپراتور روم، کنستانتین، مسیحیت را به عنوان دین رسمی اعلام می‌کند. پس از به رسمیت شناختن مسیحیت، به تدریج اختلافات در این مذهب راه می‌یابد. در سال ۳۲۵ به دستور امپراتور، شورای نیکیه، برای رسیدگی به اختلافات موجود مسیحیان ایجاد می‌شود. در این شورا، برخی آرا از جمله تثلیث و نظریه یک جوهری اب و ابن پذیرفته و بقیه مردود شمرده می‌شود.

مرکز کلیسا در این هنگام روم بوده و پاپ‌ها هم در آنجا مستقر بودند. کنستانتین دستور می‌دهد که

قسطنطین (اسلامبول امروزی) را مرکز مسیحیت کنند و شهری به نام کنستانتین پل را می‌سازد. ولی به دلیل مخالفت، پایتخت را به قسطنطنیه منتقل نمی‌کند و تنها یکی از مراکز مهم پس از روم به حساب می‌آید. در این هنگام مسیحیت به دو بخش تقسیم می‌شود: بخش غربی و بخش شرقی کلیسای غربی که کاتولیک هستند. مرکزشان در روم قرار دارد و زبان‌شان لاتین بوده است و پاپ در رأس آن قرار داشته است.

کلیسای شرقی - که مرکز آن در قسطنطنیه، اسکندریه، اورشلیم، ادسای و... بوده است و زبان‌شان یونانی بوده است و ارتدوکس‌ها هستند.

کلیسای شرقی پس از به رسمیت شناختن مسیحیت، شروع به جدا شدن از کلیسای غرب می‌کند تا قرن ۷ پس از میلاد که این دو کاملاً از هم جدا می‌شوند و هرگز نتوانستند اتحادی برقرار کنند.

۱- مبادی اصلی کلیسای شرقی

شعب کلیساهای ارتدوکس شرقی کما بیش با یکدیگر در مواد اصنی علم لاهوت متفق الکلمه بوده‌اند. آنها اعتقادنامه‌های دیرین را همه قبول داشتند. تعالیم رسولان قدیم را همه ابدی و زوال‌ناپذیر می‌دانستند. اصل و قاعده کلی که صفت خاص ارتدوکس‌های شرق است به این عبارت خلاصه می‌شود که «ایمان استوار به تجسم خداوند، عقیده حیات در شخص عیسی که به عصر و زمان حاضر به وسیله مقدسات سبعه و (تعמיד، تدهین، روغن مائی کردن، عشای ربانی، اعتراف، قبول سلسله مقدس، عروسی و تدهین میت) و دیگر عبادات منتقل شده از طرف کلیسا و انجام اعمال و مناسک دینی از روی خلوص نیست در کلیسا. در سال ۷۸۷ میلادی هفتمین شورای عمومی تشکیل شد و آن آخرین شورای بود که در آن یونانیان و رومیان متفقاً شرکت کردند و فتوا دادند که تصاویر و نقوش و تماثیل و نیز صلیب و انجیل‌های چهارگانه باید همه مورد احترام و تقدیس و تکریم قرار بگیرند. در این قضیه کلیسای شرق و غرب تاکنون اتفاق کلمه دارند.

۲- اختلافات بین شرق و غرب

در قضیه ماهیت الهی تصاویر، باز بین شرق و غرب اختلافی جوهری و ایمانی پدید آمد. کلیساهای شرق تصاویر مقدس را دارای طبیعت و روح الهی دانستند. در حالی که کلیساهای روم در مغرب به تصویر و تمثال حضرت مریم و دیگر قدیسین منزلت بشری می‌دهند و حضرت مریم را از آن جهت احترام می‌گذارند که مادری است عذرا، دارای احساسات و عواطف مادری نسبت به فرزند خود، در حالی که در کلیساهای مشرق حضرت مریم را مانند مادر خدای تعالی پرستش می‌کنند و او را موجودی فوق بشر می‌دانند که در او بشریت و الوهیت در پیکر عیسی امتزاج و تجسم یافت. همچنین در مورد مقدسات سبعه (تعמיד، تدهین، عشای ربانی، اعتراف، قبول سلسله مقدس، عروسی، تدهین میت) با کلیسای غرب مختلف است. از اختلافات دیگر آن که کلیساهای شرقی به طور قطع مخالف این اصل هستند که مردی به نام اسقف شهر روم ریاست عالی بر تمام جامعه کلیسای مسیح داشته باشد.

مسئله دیگری که وجود دارد این است که این عقیده را خطا می‌دانند که حواریان از عیسی به طور مساوی نیروی روحانی کسب نکرده‌اند و در آن میان فقط پطرس حواری رئیس ایشان شد و اسقف روم تنها

جانشین و خلیفه پطرس است و اسقف‌های اورشلیم و اسکندریه و انطاکیه و هراسقف دیگری باید زیردست و تابع اسقف روم شناخته شود و پاپ روم دارای صفت معصومیت نیست و در مسائل ایمانی و اخلاقی ممکن است به خطا رود. زیرا چندین نفر از پاپ‌ها را شورای مسیحیان در مواقع متعدد محکوم به فساد عقیده کرده است.

فصل سوم - وضعیت فعلی آشوری‌ها

۱- جمعیت و پراکندگی در ایران

آشوری‌های کشور در حال حاضر حدود ۴۰ هزار نفر جمعیت دارند. مواطن اصلی آنها در کشور تهران و ارومیه می‌باشد و دارای کلیساهای متعددی می‌باشند که تقریباً همگی ارتدوکس می‌باشند. این مجموعه چنانکه پیشتر ذکر شد از عراق به ایران مراجعه نموده‌اند و نژاد آنان سامی می‌باشد. زبان آنان آرامی است که از دیرباز زبان اصسی طوایف ساکن در بین‌النهرین و در شرق رود فرات بوده است. بسیاری از کلمات عربی از این زبان مشتق گردیده‌اند و زبان و ادبیات آنان تأثیر زیادی بر تمامی زبان‌ها و ادبیات اقوام مختلفی که در نواحی بین‌النهرین و اطراف آن می‌زیسته داشته است. رهبر مذهبی آنان «پاتریاک» لقب دارد و موطن اصلی و پایتخت مذهبی دائمی آنان در عراق می‌باشد. «پاتریاک» فعلی یعنی «ماردنخای چهارم» متولد عراق می‌باشد و علی‌الظاهر تابعیت ایرانی دارد. آشوریان در ایران دارای انجمنی به نام انجمن آشوریان می‌باشند. این انجمن حدود ۱۰۰۰ عضو رسمی دارد و بیش از ۴۰ سال از تأسیس آن می‌گذرد. این انجمن مشغول به انجام فعالیت‌های خیریه‌ای اجتماعی - فرهنگی می‌باشد.

۲- آشوریان در جهان

آشوریان در جهان حدود ۵ میلیون نفر جمعیت دارند که در کشورهای اروپایی نظیر اتریش در امریکا، کانادا، استرالیا و زلاندنو ساکن هستند. نظر به این که بیشترین تعداد آنها در امریکا سکونت دارند مقر موقت مذهبی و محل سکونت «پاتریاک» فعلی در امریکا واقع است.

۳- سازمان‌های آشوریان

آشوریان در کشورهایی که سکونت دارند دارای مراکز متعددی می‌باشند. بیش از ۴۵ سازمان آشوری در کشورهای امریکا، انگلیس، استرالیا، کانادا، فرانسه، روسیه و ایران مشغول به فعالیت می‌باشند. مهم‌ترین انجمن آنها که سیاسی‌ترین آن نیز می‌باشد «حزب دمکراتیک بین‌النهرین» نام دارد که علی‌الظاهر به دنبال یافتن منطقه‌ای جهت تشکیل حکومت مستقل خودگردان آشوری در بین‌النهرین می‌باشند. فعالیت انجمن‌های فوق شامل فعالیت‌های سیاسی، مذهبی و صنفی می‌باشد. در این قسمت جهت اطلاع بیشتر شمه‌ای از نظامنامه حزبی «حزب دمکراتیک بین‌النهرین» ذکر می‌گردد.

۴- نظامنامه حزبی

- ۱- اولین مسئولیت شاخه‌های مختلف آشوری این است که جهت تحقق اهداف کوتاه‌مدت و بلندمدت حزب دمکراتیک بین‌النهرین با یکدیگر همکاری و مشارکت داشته باشند؛
 - ۲- اعضا باید در کمیته‌های رسمی و گروه‌های مربوط به این حزب داخل شوند و تلاش کنند که حقوق انسانی و ملی آشوری‌ها را احیا کنند و هدف نهایی آشوری‌ها را که همان «تشکیل حکومت خودگردان مستقل آشوری در بین‌النهرین» می‌باشد را تأمین نمایند.
 - ۳- شاخه‌ها و گروه‌های مختلف آشوری باید در مقابل همه نیروهایی که آنها را تهدید می‌نمایند متحد شوند و در ارتباط با اهداف حزب و برنامه‌های آن یا هرگونه مسئله دیگر به یکدیگر کمک کنند و از هم حمایت نمایند؛
 - ۴- اعضا و شاخه‌ها در پی تعدادی نشست مشترک مباحث مربوط به تشکیلات حزب را مشخص و تصویب نموده‌اند:
- برای معرفی این‌که فردی آشوری محسوب شود باید ترکیبی از شرایط زیر را داشته باشد:
- میراث، مذهب، فرهنگ، آمادگی و هوشیاری که در مسائل مختلفی از جمله وابستگی به علوم الهی، آمار جمعیتی و دیگر موارد بر دیگران برتری یابند.
- آشوری بودن عبارت است از این‌که: «گذشته میراث من است، من نیاید آن را فراموش کنم».

۵- مسائل آشوری‌ها در ایران

- نکته قابل توجهی که قبل از ورود به هر بحثی باید تبیین شود و در مقدمه نیز به آن اشاره گردید توجه ویژه نظام اسلامی به وضعیت اقلیت‌ها می‌باشد. به عنوان نمونه چنانکه در مقدمه نیز ذکر شد بر طبق آخرین سرشماری جمعیت تمام اقلیت‌ها در کشور زیر ۲۰۰ هزار نفر می‌باشد یعنی طبق قانون از لحاظ جمعیتی تمامی آنها در صورتی که در یک منطقه جغرافیایی مثلاً استان یا شهر متمرکز شده باشند فقط می‌توانند دارای یک نماینده باشند. در صورتی که برای هر کدام از اقلیت‌ها یک نماینده و حتی در مواردی که تعدادشان زیاده‌تر و پراکندگی جغرافیایی بیشتری دارند ۲ نماینده در مجلس شورای اسلامی وجود دارد. این در حالی است که در بسیاری از کشورهای توسعه یافته غربی نظیر انگلیس و بعضی کشورهای اروپایی دیگر با این که تعداد مسلمانان به مراتب بیشتر از تعداد اقلیت‌های کشور ما می‌باشد از نظر حقوق سیاسی به طور کامل به رسمیت شناخته نشده‌اند و حتی دارای یک نماینده در پارلمان آن کشورها نیز نمی‌باشند. به هر حال در مسائل کلی سیاسی و اجتماعی حقوق اقلیت‌ها کاملاً به رسمیت شناخته شده است. به هر حال جمعیت آشوری‌های کشور دارای مسائل و مشکلاتی می‌باشند که اهم آنها در ذیل ارائه خواهد شد:
- ۱- الحاق نمودن شرح حال آشوریان و تمدن آشوری و لو به صورت فشرده به کتاب‌های تاریخ دوره‌های آموزشی در کشور. توضیح این که در کتاب‌های تاریخ قبل از انقلاب که در مدارس تدریس می‌شده ظاهراً اشاره‌هایی به سرگذشت این قوم وجود داشته است که در دوران حاضر این مسئله وجود ندارد. این مسئله می‌تواند برای اصلاح در دستورکار مسئولان وزارت آموزش و پرورش قرار گیرد.
 - ۲- ظاهراً از مهم‌ترین مسائل این اقلیت که به نحوی برای اقلیت‌های دیگر مذهبی نیز مطرح است و ممکن است توسط این «پاتریاک» نیز بیان گردد مسئله «دیه اقلیت‌ها» در ایران می‌باشد. توضیح این که ظاهراً دیه

یک اقلیت (غیرمسلمان) بسیار کمتر از دیه یک مسلمان می‌باشد و تا آنجا که تحقیق گردیده است حدود $\frac{1}{14}$ دیه یک مسلمان می‌باشد. اقلیت‌ها خواستار این هستند که به نحوی مسائل حقوقی آنها حل شود که از حقوق اجتماعی یک شهروند ایرانی برخوردار گردند.

در این زمینه مسائل متعددی وجود دارد که بعضی از اوقات مشکلاتی را ایجاد می‌نماید. مثلاً این مورد که اگر از ورثه یک متوفای غیرمسلمان، یک نفر مسلمان شود تمامی ارث به وی می‌رسد و ورثه دیگر (غیرمسلمان) از ارث محروم می‌شوند. در مورد اخیر مشاهده شده که بعضی از وارث که از این حکم فقهی اطلاع دارند سریعاً اعلام مسلمان شدن می‌نمایند و تمامی مایملک متوفی را صاحب می‌شوند. در جواب اشکالات فوق می‌توان اذعان نمود که باب مباحثات فقهی با توجه به مقتضیات زمان و مکان در این زمینه می‌تواند مفتوح باشد.

بدون وارد شدن به مباحث تخصصی این امر که از صلاحیت نگارنده خارج می‌باشد و فقط به عنوان بابی برای گشودن بحث متذکر می‌گردیم که احکام فقهی در جامعه اسلامی که اهل ذمه در آن زندگی می‌کرده و جزیه پرداخت می‌نموده‌اند برقرار بوده است و امروز که شرایط اجتماعی جامعه اسلامی عوض شده و دیگر اهل ذمه‌ای که جزیه پرداخت نمایند وجود ندارد می‌توان بررسی نمود که آیا احکام به همان شکل قبل باقی خواهند ماند یا خیر.

برای حل این مشکل در کوتاه مدت نیز می‌توان اصلاحاتی انجام داد. به عنوان نمونه در مواردی که قتل و جرح در اثر تصادفات رانندگی یا مسائل کار و کارگری ایجاد می‌شود که طرف پرداخت کننده دیه سازمان‌های بیمه‌گر می‌باشند می‌توان شرایط و قرارداد بیمه را به نحوی تنظیم نمود که دیه به طور کامل به آنها پرداخت گردد.